

الختم السابع والأبواق السبعة

¹ وَلَمَّا فَتَحَ الْخَتَمَ السَّابِعَ حَدَّتْ سُكُوتٌ فِي السَّمَاءِ تَحَوُّ
نِصْفِ سَاعَةٍ. ² وَرَأَيْتُ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ يَقُفُونَ أَمَامَ
اللَّهِ وَقَدْ أُعْطُوا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ. ³ وَجَاءَ مَلَكٌ آخَرٌ وَوَقَفَ
عِنْدَ الْمَذْبَحِ وَمَعَهُ مِخْرَءٌ مِنْ ذَهَبٍ وَأَعْطَانِي بَخُوراً كَثِيراً
لِكَيْ يَقْدِمَهُ مَعَ صَلَوَاتِ الْقِدِّيسِينَ جَمِيعِهِمْ عَلَى مَذْبَحِ
الذَّهَبِ الَّذِي أَمَامَ الْعَرْشِ. ⁴ فَصَعِدَ دُخَانُ الْبَخُورِ مَعَ
صَلَوَاتِ الْقِدِّيسِينَ مِنْ يَدِ الْمَلَكِ أَمَامَ اللَّهِ. ⁵ ثُمَّ أَخَذَ
الْمَلَكُ الْمِخْرَءَ وَمَلَأَهَا مِنْ تَارِ الْمَذْبَحِ وَأَلْقَاهَا إِلَى
الْأَرْضِ، فَحَدَّتْ أَصْوَاتٌ وَرُعُودٌ وَبُرُوقٌ وَزَلَزَلَةٌ.

الأبواق الأربعة الأولى

⁶ ثُمَّ إِنَّ السَّبْعَةَ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ مَعَهُمُ السَّبْعَةُ الْأَبْوَابُ
تَهَيَّأُوا لِكَيْ يُبَوِّقُوا. ⁷ فَبَوَّقَ الْمَلَكُ الْأَوَّلُ، فَحَدَّتْ بَرْدٌ وَتَارٌ
مَحْلُوطَانِ يَدَمٌ وَأَلْقِيَا إِلَى الْأَرْضِ، فَاحْتَرَقَ ثُلُثُ الْأَشْجَارِ
وَاحْتَرَقَ كُلُّ عَشْبٍ أَخْضَرَ. ⁸ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الثَّانِي، فَكَانَ
جَبَلاً عَظِيماً مُنْقِداً بِالنَّارِ أَلْقِيَا إِلَى الْبَحْرِ، فَصَارَ ثُلُثُ
الْبَحْرِ دِماً. ⁹ وَمَاتَ ثُلُثُ الْخَلَائِقِ الَّتِي فِي الْبَحْرِ الَّتِي لَهَا
حَيَاةٌ، وَأَهْلِكَ ثُلُثُ السُّفُنِ.

¹⁰ ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الثَّالِثُ، فَسَقَطَ مِنَ السَّمَاءِ كَوْكَبٌ
عَظِيمٌ مُنْقِذٌ كِمِصْبَاحٍ وَوَقَعَ عَلَى ثُلُثِ الْأَنْهَارِ وَعَلَى بَنَاتِيعِ
الْمِيَاهِ. ¹¹ وَاسْمُ الْكَوْكَبِ يُدْعَى: الْأَفْسَنْتِينُ، فَصَارَ ثُلُثُ
الْمِيَاهِ أَفْسَنْتِيناً وَمَاتَ كَثِيرُونَ مِنَ النَّاسِ مِنَ الْمِيَاهِ
لَأَنَّهَا صَارَتْ مُرَّةً.

¹² ثُمَّ بَوَّقَ الْمَلَكُ الرَّابِعُ، فَضُرِبَ ثُلُثُ الشَّمْسِ وَثُلُثُ
الْقَمَرِ وَثُلُثُ النُّجُومِ حَتَّى يَطْلِمَ ثُلُثُهُنَّ، وَالتَّهَارُ لَا يُضِيءُ
ثُلُثُهُ وَاللَّيْلُ كَذَلِكَ. ¹³ ثُمَّ تَطَرَّتْ وَسَمِعْتُ مَلَكاً طَائِراً فِي
وَسْطِ السَّمَاءِ قَائِلاً يَصُوتُ عَظِيمٌ: وَيْلٌ، وَيْلٌ، وَيْلٌ،
لِلْسَّاكِنِينَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَجْلِ بَقِيَّةِ أَصْوَاتِ أَبْوَابِ
الثَّلَاثَةِ الْمَلَائِكَةِ الْمُزْمِعِينَ أَنْ يُبَوِّقُوا.

مُهر هفتم و هفت کَرَنای

¹ و چون مُهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم
ساعت در آسمان واقع شد. ² و دیدم هفت فرشته را که
در حضور خدا ایستاده‌اند که به ایشان هفت کَرَنای داده
شد. ³ و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با
مَجَمَری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به
دعاهای جمیع مقدّسین، بر مذبح طلا که پیش تخت
است بدهد، ⁴ و دود بخور، از دست فرشته با دعاهای
مقدّسین در حضور خدا بالا رفت. ⁵ پس آن فرشته
مجمر را گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی
زمین انداخت و صداها و رعدها و برقها و زلزله حادث
گردید.

اَوّل چهار کَرَنای

⁶ و هفت فرشته‌ای که هفت کَرَنای را داشتند خود را
مستعدّ نواختن نمودند. ⁷ و چون اوّلی بناخت تگرگ و
آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین
ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز
سوخته شد.

⁸ و فرشته دوّم بناخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به
آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون
گردید، ⁹ و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند
و ثلث کشتیها تباہ گردید.

¹⁰ و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم،
چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر
ثلث نهرها و چشمه‌های آب افتاد. ¹¹ و اسم آن ستاره را
أَفْسَنْتین می‌خوانند؛ و ثلث آنها به أَفْسَنْتین مبدّل
گشت و مردمان بسیار از آبهای که تلخ شده بود
مردند.

¹² و فرشته چهارم بناخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و
ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و
ثلث روز و ثلث شب همچنین بینور شد. ¹³ و عقابی را
دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می‌پرد و به آواز
بلند می‌گوید: وای، وای، وای، بر ساکنان زمین،
به سبب صداها و دیگر کَرَنای آن سه فرشته‌ای که
می‌باید بنوازند.